



یکی از ارکان ادای موسیقی ایرانی «مناسب‌خوانی» است. آشنایی با اشعار تعلیمی و ردیف آوازی از جمله اصول ابتدایی آن است. قدما اعتقاد داشتند یک خواننده خوب باید مناسب‌خوان خوبی هم باشد؛ یعنی آشنایی با زمان مناسب برای هر دستگاه و خواندن آواز را بداند؛ برای مثال این‌گونه نقل شده است: آواز دشتی برای غروب عصر، سه‌گاه قبل از طلوع آفتاب و چهارگاه به هنگام طلوع آفتاب مناسب است. در روزگار کنونی و با وجود همه مشکلات روزمره که با آن درگیر هستیم، دیگر زمانی نیست که یک خواننده یا موسیقی‌دان بر این سبیل حرکت کند. چه بسیار کنسرت‌ها و اجراهایی که در ساعات تقی‌پور یک روز و در دستگاه چهارگاه اجرا شده‌اند. شاید دوباره باید معنی مناسب‌خوانی را نیز به‌روز کرد و به آن بیشتر از پیش و با توجه به مکان و موقعیت توجه کرد.
آیین‌هایی همواره با فرهنگ جوامع هماهنگ بوده‌اند، این‌آیین‌ها و هنرهای مربوط به آن از جمله هنر موسیقی، در دوره‌های مختلف دچار تغییروتحولاتی شد که نیازمند مطالعات فرهنگی و تاریخی در این زمینه هستند. برخلاف برخی دیدگاه‌ها هنر طی سالیان و از روزگار قدیم رابطه خوبی با مذهب داشته است، چراکه بیان‌کننده باورها، خواست‌ها و حالات روحی و برانگیزانده احساسات انسان‌ها بوده و ازاین‌رو نباید آن دو را از یکدیگر جدا دانست. جاری‌ها، نقوش برجسته، آثار گلی و متون ایلامی جملگی حاکی از این است که موسیقی به‌خصوص در مراسم مذهبی و اهدای قربانی از روزگار باستان مرسوم و مورد توجه بوده است. اما گذشته از همه این تحولات، موسیقی مذهبی اهمیت زیادی در زندگی بسیاری از جوامع داشته و در انواع مناسبت‌های مختلف این موسیقی به طور طبیعی شکل گرفته است. در جامعه ما نیز خیلی کارها بر اساس باور مردم صورت می‌گیرد و باور مردم نیز قوانین خاصی را به دنبال خواهد داشت. حال از آنجا که موسیقی با ذائقه مردم سروکار دارد، باید توجه داشته باشیم چه نوع موسیقی و چه کاربردی در چه ایامی استفاده شود؛ مثلاً در ماه مبارک رمضان موسیقی «سحرخوانی» و برای ورود به ماه محرم و صفر نوعی موسیقی به نام «پیش‌خوانی» و «پیشواز» وجود داشته است. جای آن است به نکته‌ای اشاره کرد؛ مهم‌ترین تأثیر اسلام بر موسیقی را باید افزوده‌شدن ماهیت ماوراءالطبیعه و روحانی به آن دانست و ازاین‌روست که موسیقی ایرانی سبب اعتلای روح و پرواز به بالا می‌شود. ایام محرم است و عزاداری برای سید و سالار شهیدان همیشه از دیرباز با فرهنگ اسلامی ما ایرانیان همراهی و هم‌خوانی داشته و تأثیر آن بر روزگاران را نمی‌توان نادیده گرفت. حسین‌بن‌علی(ع) خود نوایی جاری به طول کل تاریخ است. در ادوار گذشته و به زعم بسیاری از اهالی هنر در چند سده اخیر که موسیقی با تحریم‌ها مواجه بوده، راز ماندگاری موسیقی ایرانی را تعزیه می‌دانند. استاد ابوالحسن صبا در نوشته‌های آورده است که «تاکتون تعزیه از موسیقی ایرانی حفاظت کرده است، اما از این به‌بعد نمی‌دانم با کم‌رنگ‌شدن تعزیه چه کسی می‌خواهد از موسیقی ایرانی حفاظت کند». راستش را بخواهید دیگر نمی‌توان در موسیقی آیینی و مذهبی ما نقشی از مناسب‌خوانی را دید. انتشار چند آلبوم موسیقی کم‌رنگ هستند که شاید حتی دیده نمی‌شوند. باید بیشتر دقت کنیم و گوش دهیم؛ موسیقی مذهبی و آیینی ما همین‌هایی است که درحال‌حاضر از پخش ماشین‌ها و در مراسم‌های عزاداری‌ها استفاده می‌شود. جعل اشعار و دست‌بردن در سروده‌های قدیمی، کپی‌برداری از ملودی موسیقی‌های آشنا و پاپ، نندکردن ریتم موسیقی و بهره‌گیری از اشعار نه‌چندان موجه نتیجه ورود برخی نوحه‌خوانان بیگانه با آواز و حوزه مداحی است که لطامت بسیاری به این حوزه وارد کرده. در این راه گاهی مشاهده شده است مداح از الفاظی که شایسته مقام والای امامان نیست استفاده می‌کند. با این تفاسیر آنچه امروزه از آن به‌عنوان موسیقی مذهبی یاد می‌شود و در اختیار عزاداران و مخاطبان قرار می‌گیرد، تفاوت عمده‌ای با نمونه‌های ارائه‌شده در سال‌های قبل دارد. چون میزبی خاصی بر آثار ارائه‌شده برخی مداحان نیست، هر آهنگ و هر شعری را حتی به نام بزرگان مقدسی مانند حضرت زینب(س) و حضرت امام حسین(ع) می‌خوانند و اجرا می‌کنند. این نوع موسیقی نه‌تنها شان آنها را رعایت نمی‌کند که مردم را هم از این آیین‌های مذهبی گریزان می‌کند. هرچند در برخی نواحی آداب و رسوم و هنجارهای سنتی کاملاً از بین نرفته است و نقش کم‌رنگ نوحه‌خوانی را که الهام از ردیف و موسیقی فولکلوریک دارد می‌توان شنید. چیزی که مسلم است دیگر از اجراهای مذهبی یا مناسب با ایام عزاداری تعریفی درست در دست نیست. تعزیه، نوحه، مداحی و روضه را می‌توان از برخی شعبات موسیقی مذهبی دانست که فعالان این حوزه با توجه به جغرافیای بومی خود باید بکوشند تا آوایی ماندگار را خلق کرده و در اختیار اهلسن قرار دهند.

علیرضا مجمع: هر اثری برای خلق‌شدن نیاز به بهانه و هر خالقی هم برای خلق اثرش به بهانه نیاز دارد. وقتی هم اثری خلق می‌شود، در نهایت به این سؤال مخاطب و از آن مهم‌تر به خالق اثر باید پاسخ دهد که چرا این اثر ساخته شده است؟ منطقی این است که یک اثر– و در اینجا فیلم– یا باید شخصیت جذاب داشته باشد، یا فرم جذاب یا نگاه منحصربه‌فرد یا اصلا– با اینکه مطلقاً به حرف و مضمون و پیام در یک فیلم سینمایی اعتقاد ندارم– پیام و شعار خوب و انسانی، ولی وقتی هیچ‌کدام از این مؤلفه‌ها در یک فیلم موجود نیست، اصلاً چرا باید ساخته شود؟
خب فیلم‌ساز می‌تواند بگوید من کارم سرگرم‌کردن تماشاگر است. فیلم می‌سازم برای اینکه تماشاگر را سرگرم کنم و فیلم من این وجه سینما را با خود دارد. این هم دلیلی است؛ اتفاقاً دلیلی بسیار موجه و یکی از دغدغه‌های نویسنده این یادداشت در همه این سال‌ها جانداختن همین مسئله بسیار مهم در سینما بوده که یک فیلم باید– تاکیدی بخوانید– سرگرم کند. اگر چنین نکند، همه چیزش را به تماشاگر باخته است. مضمون مطلقاً در یک اثر سینمایی تعیین‌کننده بودن یا نبودن اثر نیست. این فرم است که می‌گوید اثری می‌ماند یا برای همیشه از ذهن تماشاگر پاک می‌شود. این مقدمه کوتاه را نوشتم که به صراحت این پرسش مهم را از فیلم‌ساز تازگار سینمای ایران بپرسم که فیلم «سرکوب» برای چه ساخته شده است؟ رضا گوران، کارگردان تئاتر شناخته‌شده‌ای است. سال‌ها تئاتر کار کرده است و در تئاتری‌های شان و شخصیت مثبتی دارد. برای همین هم بازیگران فیلمش را بیشتر از بین بازیگران تئاتر انتخاب کرده است، اما مشکل جایی آغاز می‌شود که نگاه فرمالیستی مغرورانه بی‌عقبه جهان‌بینی را می‌خواهیم به فیلمی وارد کنیم که اصلاً دلیلی برای ساختنش وجود ندارد. فیلم درگیر یک الکلنگ فرمی است که گوران سعی می‌کند با دوربین آن ردیابورد. دوربین گوران بی‌ربط معلق است. از همان پلان اول فیلم بعد از مونولوگ مادر، این معلق‌بودن توی صورت تماشاگر کوبیده می‌شود! تا آخر هم نمی‌فهمیم چرا دوربین که مثلاً خواسته روی دست حرکت الکلنگی‌اش را به رخ تماشاگر بکشد، به‌جای اداواطوارهای فیلم‌سازهای تازه‌به‌دوران‌رسیده– که برای اینکه میزاسنس نمی‌دانند، دوربینشان را روی دست می‌پرند تا احیاناً حرکتی را از دست ندهند– اینجا با حرکت معلق همان کار را می‌کند؟ گوران که اهل تئاتر است باید بداند که میزاسنس، این معلق‌بودنی نیست که در «سرکوب» دارد



با دوربینش اجرا می‌کند. دوربین را معلق می‌کنی که چه چیزی را برسانی؟ دنیای آشفته کاراکترهایت را؟ متأسفم، اصلاً ساخته نمی‌شود! دنیای کاراکتر را باید خود کاراکتر بسازد، نه معلق‌بودن دوربین. باید من بینم هر کسی در جای خودش چه‌کاره است. اینجا با یک مادر و سه دختر و یک پیشخدمت طرفیم که هیچ دنیایی ندارند. در سطح می‌روند و تمام می‌شوند. هیچ عمقی در ذهن تماشاگر نمی‌سازند. پیشخدمت که اساس تعریف نمی‌شود. او کیست؟ چرا زن پرویز شده؟ احتمالاً برای اینکه پرویز از بچ‌هاش حمایت کند؟ یعنی زن در پی پناهی است و به پرویز پناه آورده که حمایتش را داشته باشد؟ اینها فرامتی است. در متن فیلم چیزی از این زن به‌جز یک دیالوگ تلفنی با بچ‌اش نمی‌بینیم و باید حدس بزنیم که پیشخدمت که می‌گوید زن صیغه‌ای پرویز است به چه دلیلی زنش شده. وضعیت دخترها از پیشخدمت بدتر است. دختر کوچک؛ پروانه یک طرف سرش را با شماره ۴ تراشیده است و ما باید از همین ظاهر بفهمیم او دختر متفاوت خانواده است که مثل بقیه با پرویز دشمن است. دلیل دشمنی‌اش احتمالاً رفتار پرویز در سال‌هایی است که دخترا در خانه او زندگی کرده‌اند. پروانه هیچ چیزی از خودش به ما نمی‌دهد؛ هیچ تعریفی که ما سعی کنیم او را بشناسیم. خواهرش، پریسا که احتمالاً از بقیه بیشتر با خانواده بوده وضعیتش مثل خواهرش است. او یک بچه هم دارد که مادر می‌گوید آتیسمی است و وقتی ما او را می‌بینیم از آتیسمش فقط خیس‌کردنش را می‌بینیم. رفتار پریسا با مادرش هم که

نقدی بر فیلم «سرکوب»، به کارگردانی رضا گوران

لرزان و معلق

شاهکار است. به مادر آلزایمری‌اش برای اینکه غذا از دهنش می‌ریزد توهین می‌کند. حتی تا این حد نمی‌فهمد که مادرش مریض است. اساساً کارگردانی که درگیر فرم معلق دوربینش است نمی‌رسد به اینکه شخصیت‌هایش را برای ما تعریف کند. از این مهم‌تر قصه فیلم را در دو خط تعریف کنید. قصه فیلم چیست؟ قصه خانواده مضمحلی که پدرشان سه روز است کم شده و خواهرها نمی‌خواهند حتی بدانند پدرشان کجاست؟ این چه جذایتی برای ما دارد؟ فیلم‌ساز می‌خواهد از دل این خانواده برسد به این مضمون که پایه‌های جامعه سست است؟ خب شکل بهترش را که در فیلم‌های دیگر دیده‌ایم. چرا باید برویم پول بدهیم و این قصه عقب‌مانده را در سینما نگاه کنیم؟ نه، به سراغ مدیوم نامرئی آمده است رضا گوران. سینما لو می‌دهد. اگر نمی‌دانند، بداند که فیلمش غروری را که او بر سر فرم دارد لو می‌دهد. فرمی که آگاهی پشش نیست، نابلد است. اساساً وقتی در اولین فیلم دوربین را می‌بری روی دست یعنی بلد نیستی میزاسنس بدهی. بلد نیستی فضا ایجاد کنی، می‌ترسی که زاویه‌ای از دستت در برود، برای همین دوربینت را معلق می‌کنی که تکان‌های کمتری داشته باشد و این را می‌گویی فرم. معنی‌اش می‌کنی به ناپایداربودن بنیان این خانواده! هیچ نگاه فرمی در پشت سرکوب نیست، بنابراین از دل هیچ، هیچ بیرون می‌آید. وقتی فرمی نداریم مضمونی هم قاعدتاً نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم. از دل این بی چیزی، فکر کنید در پایان فیلم فیلم سوررئال بشود و باران از آسمان – کدام آسمان؟ مگر سقف خانه سوراخ است؟! – در خانه بی‌آدم بیاید. این آخری تیر خلاص بود به فیلم بی‌فرم الکن. رضا گوران در اولین فیلمش به‌جای اینکه یک قصه ساده را بی‌ادا و ساده‌تصور کند و قصه تعریف کند و خودش را ثابت کند– به ما و تماشاگر– آمده فضایی تصویر کرده که نه چیزی گیر خودش آمده نه تماشاگرش. اگر در این سه‌سالی که صرف این فیلم کرد، چند تئاتر کار کرده باشد، عزت و اعتبارش را در مدیومی که بلد است بالاتر برده بود. واقعاً ما چرا اصرار داریم در کاری ورود کنیم که ابزارش را در اختیار نداریم و آن را بلد نیستیم؟ کار کوچکی که بلد هستی خیلی شرافتمندانه‌تر از کار بزرگی است که هیچ از آن نمی‌دانی. در هالیوود کسی را سراغ دارم که ۴۰ سال است فقط دارد برای مدیر فیلم‌برداری فوکوس می‌کشد؛ کار کوچکی که درست انجام می‌شود.

سیاست‌های فارابی در حمایت از سینمای کودک و نوجوان

گروه هنر: به‌تازگی بنیاد سینمایی فارابی بعد از برگزاری سی‌ودومین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان در اصفهان، گزارشی از عملکرد خود منتشر کرده که به این شرح است: در گزارش ستاد اطلاع‌رسانی سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان آمده است: «بنیاد سینمایی فارابی سال‌های گذشته حضوری جدی در زمینه تولیدات سینمای کودک داشته که بخشی از این تولیدات، در سی‌ودومین جشنواره درخشیدن و حال مهیای اکران در سینماهای سراسر کشور می‌شوند با این قصد که مخاطبان زیادی را جذب کنند. بنیاد به همراه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، همواره نقش عمده‌ای در حمایت از تولید و ساخت فیلم‌های سینمای کودک داشته است. جشنواره سی‌ودوم هم که چندی پیش به پایان رسید، از این قاعده مستثنا نبود و فیلم‌های تولیدی بنیاد سینمایی فارابی و کانون توانستند در میان برگزیدگان سهم عمده‌ای داشته باشند».

فیلم‌های برتر امسال فارابی و آمده از فارابی و کانون

در میان فیلم‌های برگزیده جشنواره سی‌ودوم، فیلم سینمایی «قطار آن شب» (حمیدرضا قطبی) که محصول بنیاد سینمایی فارابی است، پنج جایزه پروانه زرین بهترین فیلم کودک، جایزه ویژه یونیسف، دیپلم افتخار بهترین بازیگر، پروانه زرین جایزه ویژه هیئت داوران و جایزه ویژه دبیر جشنواره را دریافت کرد. فیلم سینمایی «بازپو» (امیر حسین قهرایی) نیز موفق به دریافت جوایزی شد. همچنین فیلم «اقیانوس پشت پنجره» (بابک نبی‌زاده) از محصولات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز مرکز توجه قرار گرفت.

درخشش محصولات فارابی در دوره‌های گذشته

با نگاهی گذرا به دو دوره قبلی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، به فیلم‌هایماند «اسکی‌باز» و «ضربه‌فنی» که محصولات بنیاد و کانون بوده‌اند، برخورد می‌کنیم که در میان آثار برگزیده قرار گرفتند. فیلم «سکی‌باز» (فریدون نجفی) که با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی تولید شد، جایزه ویژه هیئت داوران برای بهترین بازیگر کودک، پروانه زرین بهترین کارگردانی فیلم بلند بخش بین‌الملل، جایزه ویژه هیئت داوران کودک و نوجوان بین‌الملل برای بهترین بازیگر، پروانه زرین بهترین بازیگر (کودک) بخش بلند سینمایی، جایزه ویژه هیئت داوران و پروانه زرین بهترین فیلم بلند سینمایی (نوجوان) را از جشنواره سی‌ام از آن خود کرد. در سی‌ویکمین دوره جشنواره نیز فیلم «ضربه‌فنی» (غلامرضا رضانی) که محصول مشترک بنیاد سینمایی فارابی و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود، توانست بهترین فیلم‌نامه، بهترین فیلم نوجوانان در بخش سینمای ایران، جایزه زاون و بهترین فیلم نوجوان در بخش مسابقه‌ای را کسب کند. در این دوره، فیلم «تپلی و من» (حسین قناعت) از محصولات فارابی، توانست پروانه زرین بهترین بازیگر کودک را از آن خود کند. همچنین فیلم «دوج» (امیر مشهدی عباس)، از تولیدات مشترک بنیاد با کانون نیز توانست جایزه بهترین فیلم بخش یونیسف در سی‌ویکمین دوره جشنواره را از آن خود کند.

فعالیت‌های مشارکتی با سایر نهادهای مرتبط

این بنیاد و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سبقه زیادی از گذشته تا امروز در زمینه تولیدات سینمایی برای حوزه کودک داشته است؛ اما تا همین پنج سال پیش، هیچ‌گاه ارتباطی جدی میان این دو مرکز شکل نگرفت تا اینکه بنیاد سینمای فارابی توانست مشارکت کانون را به شکلی جدی جذب کند که در نتیجه این همکاری، آثار سینمایی باکیفیتی برای کودکان تولید و به نمایش درآمد. همچنین بنیاد سینمایی فارابی در سال‌های اخیر همراهی و مشارکت جدی و نزدیکی با وزارت آموزش‌وپرورش در

عملکرد قابل‌قبولی داشته باشد و به‌تازگی هم «تپلی و من» روی پرده رفته است که توانسته از یک میلیارد تومان فروش گذر کند، آن‌هم در شرایطی که مدارس تعطیل و فیلم‌های پرخطابی در حال اکران هستند که کار را برای فروش بیشتر یک فیلم کودک سخت می‌کنند.

مشارکت در تولید انیمیشن‌های پر مخاطب

بنیاد در حوزه کودک که انیمیشن هم توجه سال‌هاست که سینمای کودک به فیلم‌هایی درباره کودک که تنها مختص نمایش در جشنواره اصفهان هستند، محدود می‌شود. فیلم‌هایی که از قابلیت اکران برخوردار نیستند و اگر هم رنگ پرده رنگ‌رایی را به خود ببینند، در جلب مخاطبان ناکام‌اند. حال فارابی با تغییر رویکرد خود نگاهی آینده‌محور به سینمای کودک و نوجوان را در پیش گرفته و به‌دنبال آن است که فیلم‌های این حوزه تنها متمرکز بر جشنواره فیلم کودک نباشند بلکه بتوانند در اکران عمومی جایگاه مناسبی برای خود دست‌وپا کنند. در واقع بنیاد سعی کرده از نگاه صرف جشنواره‌ای گذر کند و به‌دنبال ایجاد جایگاهی درخور سینمای کودک در اکران عمومی است.

ارتباط‌گیری با مخاطب نوام‌و ویژگی‌های حرفه‌ای

عملکرد چند سال اخیر بنیاد سینمایی فارابی نشان می‌دهد که این بنیاد معتقد است فیلم‌های تولیدی حوزه کودک علاوه‌بر داشتن ویژگی‌های هنری باید بتوانند ارتباط بیشتری با مخاطبان برقرار کنند. حضور قهرمان، امیدبخشی و ترویج نگاه امیدوارانه، پرهیز از سیاه‌نامی، فضای فانتزی که با تخیل کودکان و نوجوانان سروکار داشته باشد و برای کودکان و نوجوانان بودن نه درباره کودکان و نوجوانان بودن و… ازجمله ویژگی‌های مورد توجه این بنیاد برای تولید آثار سینمایی است. فارابی با چنین رویکردی به دنبال پیشرفت و جهانی‌شدن سینمای کودک و نوجوان ایران است؛ سینمایی که مدت‌ها محدود به فیلم‌هایی با برچسب واقع‌گرایانه بود و تنها تلخی، سیاهی و ناامیدی را به روح و روان کودکان تزریق می‌کرد. در واقع این بنیاد سینمایی حضور در جشنواره‌های خارجی را اولویت اساسی خود برای حمایت از آثار سینمایی قرار نمی‌دهد و براین اساس فیلم‌هایی که تصویر نادرست و غیرواقعی از فرهنگ شهرها و نقاط مختلف ایران نمایش می‌دهند، جایی در فهرست حمایتی این سازمان نخواهند داشت.

توجه به ادبیات کودک و نوجوان و اقتباس ادبی

فارابی در جهت حفظ و معرفی فرهنگ ایرانی، توجه ویژه‌ای به حوزه ادبیات کودک و نوجوانی را در سال‌های اخیر در دستور کار خود قرار داده است تا داستان‌ها و آثار این حوزه منبع قابل‌توجهی برای اقتباس آثار سینمایی باشند. به همین منظور سامانه اینترنتی «سینما قصه» را راه‌اندازی کرده تا ضمن معرفی داستان‌ها و رمان‌های مورد پسند کودکان و نوجوانان، فضایی را برای تهیه‌کنندگان سینمای ایران مهیا کند تا با مراجعه به این سامانه بتوانند از حجم گسترده داستان‌های ایرانی جهت اقتباس سینمایی استفاده کنند. البته فارابی از تهیه‌کنندگانی که تصمیم به ساخت داستان‌های حاضر در این مجموعه داشته باشند، حمایت ویژه‌ای خواهد کرد و آثارشان را در اولویت‌های اصلی تولیدات سینمایی خود قرار می‌دهد.

اکرانی موفق در انتظار محصولات جدید

رویکرد جدید این بنیاد در زمینه اکران هم توانسته نتیجه مثبتی را در پی داشته باشد و فیلم‌های این حوزه در کنار سایر فیلم‌ها رنگ پرده نقره‌ای را به خود ببینند. «ضربه فنی» فیلمی بود که سال گذشته در سینماهای سراسر کشور به نمایش درآمد و توانست در کیشه نیز

بسیاری دارد که حاصل آن در سال‌های اخیر مشارکت در ساخت دو انیمیشن پر مخاطب «فیله‌شاه» و «شاهزاده روم» (هادی محمدیان) است. کیفیت این دو اثر نظر پخش‌کنندگان و خریداران خارجی را به حدی جلب کرد که در بازارهای جهانی به رسانه‌های کشورهای مختلف فروخته شدند.

”مهرِ ما با مهرِ شما آغاز می‌شود!“



شماره کارت: ۵۰۲۲۲۹۱۰۱۶۹۳۵۹۵

شماره تماس: ۸۸۷۱۷۳۱۸

mehr.e.taha

www.mehretaha.com



«خروج» کلید خورد



خورد. «خروج» بیستمین فیلم ابراهیم حاتمی‌کیا در مقام کارگردان در سینمای ایران است. فیلم تازه ابراهیم حاتمی‌کیا فیلمی انتقادی با سرمایه‌گذاری مؤسسه «اوج» است که سفر پنهانران یک روستای سیل‌زده به تهران در اعتراض به وضعیتشان را به تصویر می‌کشد. حضور بازیگرانی مانند فرامرز قریبیان، پانته‌آ پناهی‌ها، اکبر رحمتی و آتش تقی‌پور در این فیلم قطعی شده و انتخاب بازیگران این فیلم ادامه دارد. شنیده می‌شود احتمال تغییر نام این فیلم وجود دارد. فیلم تازه ابراهیم حاتمی‌کیا قرار است در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآید.

اخباری از شورای صنفی نمایش

● **گروه هنر:** تمامی سینماهای سراسر کشور به مناسبت فرارسیدن تاسوعا و عاشورای حسینی به مدت پنج روز تعطیل می‌شوند. غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی اکران، گفت: «در جلسه مصوب شد که سینماهای سراسر کشور از روز یکشنبه، هفدهم شهریور تا پایان روز پنجشنبه، ۲۱ شهریور، تعطیل هستند». او ادامه داد: «یکشنبه، ۱۷ شهریور، دوشنبه، ۱۸ شهریور، سه‌شنبه ۱۹ شهریور و پنجشنبه، ۲۱ شهریور کاملاً سینماها تعطیل هستند». همچنین علی سرتیپی، سخنگوی شورای عالی اکران، در گفت‌وگویی با ایسنا درباره جلسه این شورا که روز گذشته (۱۲) به حضور سیدمحمد مهدی طباطبایی‌نژاد، معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی و دیگر اعضا برگزار شد، بیان کرد: «تصمیم بر آن شد تا در شش‌ماه دوم سال چند فیلم به صورت آزاد اکران شوند تا به‌این ترتیب بتوانیم مقداری از حجم ترافیک اکران فیلم‌ها کم کنیم و تحولی در فروش به وجود بیاوریم». او تصریح کرد: «با توجه به تعطیلی سینماها به مناسبت ایام شهادت امام حسین(ع)، سالن‌های سینمایی فعالیت خود را از روز جمعه، ۲۲ شهریور آغاز خواهند کرد. بنابراین روز جمعه، ۲۲ شهریور، به مناسبت «روز ملی سینما»، تمامی فیلم‌های سینماها به صورت نیم‌بها اکران خواهند شد».

شماره کارت: ۵۰۲۲۲۹۱۰۱۶۹۳۵۹۵

شماره تماس: ۸۸۷۱۷۳۱۸

mehr.e.taha

www.mehretaha.com

مهرطه روزنامه روزی دختران نیازمند به سرپرست